



سیدمصطفی هاشمی طبا

پنجشنبه ۱۰ آبان ۱۴۰۳
۲۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۶
۳۱ اکتبر ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۹۶۳
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

آن موقع‌ها که دانشجو بودیم و سری پرشور برای بحث و گفت‌وگو با حاشیه‌های فلسفی داشتیم، با کلمه‌ای آشنا شدیم که بسیار جاذبه داشت و به‌ویژه طرفداران مارکسیسم آن را به کار می‌بردند و ما هم حسب موقعیت با آن برخورد می‌کردیم و به‌ویژه وقتی چهار رکن آن را می‌گفتند، عصبانی به طریقی بر آنها خرده می‌گرفتیم. آن کلمه جذاب و خیلی شیک که معمولاً به‌عنوان دهان‌بند برای مخالفان به کار می‌رفت، کلمه مبارک دیالکتیک بود. البته بعدها آهسته‌آهسته فهمیدیم که این کلمه یک پایه مارکسیسم نیست، بلکه مارکس آن را برای قانونمندکردن نظریه خود به کار گرفته است و خلاصه این‌طور فهمیدیم که دیالکتیک یعنی تضاد. حال با تسامح، تقریباً همه ترجمه دیالکتیک را تضاد معنی می‌کنند و البته در بسیاری موارد آن را برای اثبات حرف‌های خود (که ادعای نظریه‌بودن را دارند) به کار می‌برند و از جمله کلام مولوی را شاهد می‌گیرند که می‌گوید:

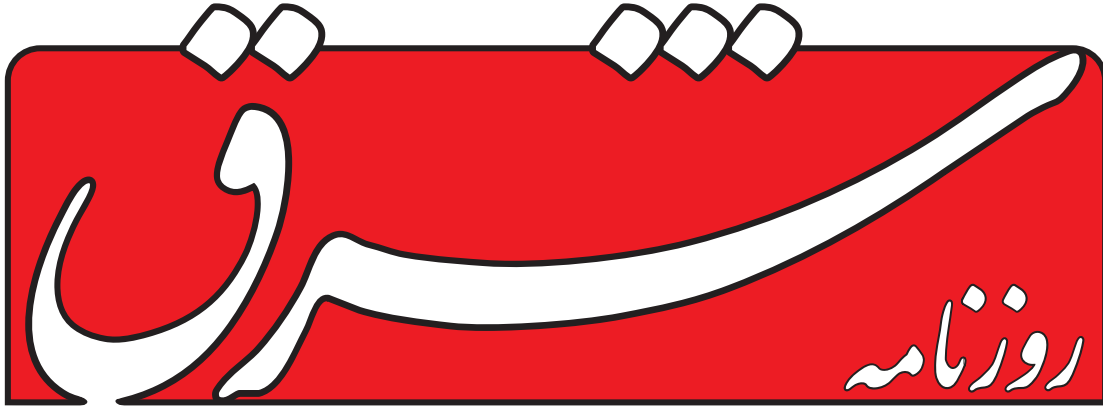
این جهان جنگ است چون کل بنگری / ذره‌ذره همچو دین با کافری  
جنگ فعلی، جنگ طبیعی، جنگ قول / در میان جزوها حربی است هول  
به خاطر دارم زنده‌یاد دکتر حسن حبیبی کتابی از گورویچ، جامعه‌شناس فرانسوی، با همین عنوان یعنی «دیالکتیک» ترجمه کرده بودند. حقیر هم نام گورویچ و حبیبی را دیدم و شروع به خواندن آن کردم، ولی هرچه بیشتر خواندم، کمتر فهمیدم. به خود دکتر حبیبی مراجعه و مشکل را گفتم، ایشان با همان خونسردی و با لبخند گفتند مثل من هستی!

صرف‌نظر از قشر دانشجو، به‌ویژه آنهایی که به کار اجتماعی و سیاسی راه دارند و به کلمه دیالکتیک علاقه دارند، آهسته‌آهسته دانشجویان قدیمی و حتی برخی طلاب حوزوی هم، اگرچه ممکن است به ظاهر کلمه علاقه نداشته باشند، اما به دلایل متعدد و شواهد واضح به مفهوم آن یعنی تضاد بسیار علاقه‌مند هستند و اصلاً احساس می‌کنند که همه زندگی باید در تضاد باشد و دانسته یا نادانسته نته‌تها کمکی به ازین‌بردن تضادها ندارند، بلکه به آنها دامن می‌زنند. شاید عقیده دارند که از پس تضادها، حقیقت نمایان و جایگزین آن می‌شود، چیزی شبیه گفته مارکس درباره تبدیل کمیت‌ها به کیفیت. مثل آنکه کمیت آب در نقطه‌ای از حرارت به بخار تبدیل می‌شود. اما مگر می‌شود همه تضادها را دوست داشته باشند و دیالکتیک همه جای جامعه را گرفته باشد و هیچ‌کس درصدد رفع تضادها یا احیاناً نرم‌کردن تضادها نباشد. البته کم‌وبیش می‌توان در مواردی آن را یافت، مثل ریاست جمهور محترم که تضادها را می‌خواهد به وفاق تبدیل کند و البته امتیازدهی را وفاق می‌خواند، ولی خود در ریل فروهشترگر تضاد حرکت می‌کنند و عملاً نمی‌توانند یا نمی‌خواهند کاری کنند.

می‌خواهید چند مورد از تضادها را ذکر کنم؛ تا سبیه روی شود آنکه در او غش باشد. تضادها هم از جنس مادی است و هم معنوی؛ البته در مثال‌ها ریز و درشت وجود دارد ولی همگی را می‌توان از یک جنس به‌شمار آورد. مثلاً از برای نیازهای تولیدی کارخانجات نمی‌گوییم ولی می‌گوییم نداریم و با همان ارز اترمیمل وارد می‌کنیم. از کسر بودجه رنج می‌بریم و آن را باعث تورم و... می‌دانیم ولی بودجه را انبساطی با رشد ۴۰ درصد می‌نویسیم، از آلودگی هوا رنج می‌بریم و هیچ فکری برای اترمیمل‌های موجود و در دست ساخت نمی‌کنیم، با نداشتن ارز بنزین وارد می‌کنیم ولی جلوی قاچاق و خروج بنزین و گازوئیل را نمی‌گیریم (با نمی‌توانیم بگیریم).

شبکه‌های اینترنتی را فیلتر می‌کنیم ولی همه از جمله برخی مسئولان با فیلترشکن از آنها استفاده می‌کنند و پست می‌گذارند. از بازسازی نشدن روستاها و بافت‌های فرسوده سخن می‌گوییم ولی در شهرها مظاهر تجملی را رشد می‌دهیم. از رشد جمعیت سخن می‌گوییم ولی امکان ازدواج را روزبه‌روز سخت‌تر می‌کنیم. از رشد فرهنگ و آموزش و تربیت بچه‌ها می‌گوییم ولی بودجه مدارس دولتی را قطع می‌کنیم و اصلاً به امر تربیت توجه نمی‌کنیم.

از جوان‌گرایی می‌گوییم ولی بیرمردها را به کارهای اصلی کشور می‌گماریم. از توجه به حمل‌ونقل عمومی و ریلی می‌گوییم ولی آنها را در بدترین شرایط نگه می‌داریم.



معاون اول رئیس‌جمهور:  
میدان دهیم تا مدیران  
تصمیمات شجاعانه بگیرند



۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: ضربه وزارت اطلاعات به گروه تروریستی تجزیه‌طلب وابسته به رژیم صهیونی • بررسی افزایش میل زنان برای جراحی زیبایی؛ زنان زیر تیغ

هم‌زمان با موافقت مجلس با حضور نماینده کرد و سنی در پاستور؛ یک استاندار بلوچ برای سیستان و بلوچستان انتخاب شد

# دولت در قلاب ملی

گزارش تئوریک را در صفحه ۲ بخوانید



رونمایی از دو کتاب انتشارات کتاب شرق: «روایت فرهنگ» و «روایت داریوش»

## قانون عقل جهاننداری

### یادداشت

## کانونی دانشگاهی برای توانمندسازی روش‌مند و فراگیر زنان



ترانه بیدا

معمار و شهرساز

مرکز مطالعات زنان و خانواده و با هدف ارائه راه‌حل‌های نوآورانه برای نظام مسائل و فرصت‌های حوزه خانواده شکل گرفته است، و بر آن است تا از هیچ ابتکاری برای توانمندسازی زنان کشورمان دور و غافل نماند. روشن است که مرکز مطالعات زنان و خانواده دانشگاه تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان و کنشگری زنان، آشنایی اسلامی، و کلاس‌های فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده از ابتدا پایه و پشتیبان این مجموعه بوده‌اند.

در سبایت دانشگاه علوم خانواده آمده است که مطالعات حوزه خانواده به دلایلی اعم از چندرشته‌ای بودن، فرارشته‌ای بودن و همچنین چالش‌های ذاتی اجتماعی-فنی این حوزه مطالعاتی، از پیچیدگی بسیار بالایی برخوردار است. درباره ضرورت تأسیس چنین

روز اولی که خانم دکتر پیرچهر شاهسون من را برای هم‌اندیشی به دانشکده علوم خانواده دانشگاه تهران در خیابان وصال دعوت کرد، باید اعتراف کنم که شوق دیدار خودش در من بیشتر بود تا وارد شدن به موضوع زنان و خانواده. فکر کردم لابد باز صحبت فرزندآوری است و تشویق بانوان به پرورش فرزندان سختکوش در خانه و در دل خانواده. اما چنین نبود و من اشتباه می‌کردم. صحبت‌ها همه حول کارآفرینی بود و آوردن زنان به درون اجتماع و شرکت‌دادن آنها در مسیر توسعه پایدار، و دوستان دنبال راه و روشی بودند برای شناساندن این کانون نوپیدا.

هفته پیش دیدم که در دنباله آن صحبت‌ها یک سلسله رویدادها از سوی همین نهاد نوبا تحت عنوان «جشنواره ملی بانوی کارآفرین» در هم‌راه امسال اجرا شده که سخنرانان درباره موضوعات مختلفی مانند زن و تولید پایدار، انقلاب صنعتی نوین و کنشگری زنان، آشنایی با سواد مالی در خانواده، چالش‌های زنان و مصداق‌های ضعف سیاست‌گذاری در حوزه علم و فناوری و... صحبت کرده بودند و این جشنواره، همان‌طور که آن روز اول قرار بود، مقدمه‌ای شد برای پاک‌رگتن این کانون دانشگاهی ویژه، که پس از تلاش‌های فراوان و با همت کنشگران حوزه خانواده، سرانجام دانشکده خانواده پس از بیش از دو سال تلاش مستمر کار خود را آغاز کند. این دانشکده برآمده از دل

### یادداشت

## گفتن تلخ واقعیت‌ها به دولت



کیاکوس بورایوبی

قرار بود عمده تفاوت دولت پزشکیان با سایرین در صداقت، شفافیت، پاسخ‌گویی، انتقادپذیری و کارایی باشد تا تغییرات اساسی و ساختاری به نفع مردم و توده‌های بی‌صدای جامعه انجام شود. یادمان باشد ایشان آمده بود تا صدای بی‌صدایان باشد آیا حصاری کشیده شده است تا این صداها به گوش ایشان نرسد یا حداقل کمتر توسط ایشان شنیده شود. نمی‌دانم چه کسانی به دولت اطلاع‌رسانی می‌کنند، هر چه هست، گویی چرخ‌های آسیاب بر همان محور و معیار گذشته می‌چرخد و عقربه‌های ساعت از حرکت باز ایستاده، حدیث نامیدی و تزریق ناتوانی در جامعه می‌تواند ولی نگفتن حقایق خود مشکلی شده که مسیر توسعه کشور را سالیان درازی متوقف کرده است. کمتر صدایی حتی در حد یک توییت از کسانی که شانه‌روز کار کردند تا آقای پزشکیان رئیس‌جمهور شود، به گوش می‌رسد. امروز سکوت بر لبان همگی دوخته شده، مشکلات اقتصادی تاروپود جامعه را هدف قرار داده است، در این وانفاس حتی مردان اقتصادی که باید در میدان بازی باشند و هدایت اقتصاد خراب کشور را بر عهده بگیرند، در گوشه‌های آرام خیزده‌اند، چرا هیچ خبری از طبینا، مشاور عالی رئیس‌جمهور یا عهده‌تبریزی نیست؟ یا پس چه شد آن همه وعده‌ها و توییت‌های جناب همتی در زمانی که وزیر نبود و برای رفع مشکلات اقتصادی نسخه‌پیچی می‌کرد. اکنون زمان رزم است و وقت پاسخ‌گویی، هر چند همگان می‌دانیم اوضاع بغرنج منطقه و جهان را و موانع پذیرش در جامعه بین‌المللی که این خود داستان مفصلی است اما برای برطرف کردن آن گام‌هایی برداشته نشده است و آقای عراقچی سیاست خارجه را خلاصه کرده در نگاه به افق‌های شرق و ورودی به گسترش حوزه روابط بین‌الملل ندارد. در حالی که قرار بود تحریم‌های ظالمانه حذف و مشکل اف‌ای‌تی‌اف برطرف شود. اکنون می‌بینیم که اصلاً در دستور کار نیستند و اگر هم باشند، بسیار کند در حال عملیاتی شدن هستند. آقای رئیس‌جمهور، در حل این مسائل توفیقی نخواهید داشت مگر سران قوا را با خود همراه داشته باشید. اگر در فکر این هستید که زمان همه چیز را حل خواهد کرد، باید گفت این زمان در چهار سال به سرعت سپری خواهد شد و مشکلات کشور چند برابر بیشتر می‌شود. آقای رئیس‌جمهور شاید بگویید من

دانشکده‌های نیز اشاره به تحکیم بنیان خانواده، افزایش مشارکت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زنان، توجه به عرصه خانواده، جمعیت و سلامت آن، تولید دانش بومی و... شده است. اگرچه در دنیای امروز «ایجاد پایگاهی علمی، پژوهشی، تخصصی و همچنین اجرایی در راستای بهبود نقش‌پذیری خانواده در نظام اجتماعی در قالب نگرش خانواده به‌مثابه بنیان اجتماع» به خودی خود فکر بدی نیست و ما می‌دانیم که در جامعه نسبتاً سنتی ما اگر خانواده این‌قدر حمایت نمی‌کرد، فرزندان جوان به‌راحتی نمی‌توانستند روی پای خود بایستند و با مشکلات عدیده جامعه امروز دست‌وپنجه نرم کنند، اما به نظر می‌آید که باید در لابه‌لای برنامه‌های دانشکده خانواده و نهادهای حامی آن بیشتر به دنبال رویه‌هایی گشت که جذب زنان و دختران‌مان به کار و فعالیت در بطن جامعه واقعی را ممکن کند. مثلاً با نگاهی به اهدافی مانند «زیست‌بوم‌سازی و توسعه چندبعدی فعالیت‌های مرتبط با خانواده، زنان و جمعیت» نمی‌توانیم درست تصور کنیم چه امری قرار است اتفاق بیفتد یا اینکه «هدف قراردادن محور سلامت خانواده از منظرهای سلامت اجتماعی، سلامت جسمی، روحی، معنوی و فکری» دقیقاً یعنی چه؟ اما اهدافی مانند توسعه و ارتقای شاخص‌های رفاه اجتماعی بر پایه و مقصد محوریت خانواده را به‌راحتی می‌توان حدس زد.



ادامه در صفحه ۲

در بدو انتخابات هیچ وعده‌ای به مردم ندادم، خب قبول ولی برادر من در این پنج ماه سکان‌داری شما ارزش پول ملی باز هم نزولی بوده و در مقابل ارزش دلار سیر صعودی در پیش گرفته و به همان اندازه فقر افزایش یافته و سفره‌های مردم کوچک‌تر شده است. حقیر حداقل در زمان انتخابات خارج از اینکه در صف فعالیت برای شما بدون هیچ چشم‌داشتی تبلیغ می‌کردم، در مطبوعات مختلف نیز در حمایت از شما مطالب زیادی نوشته‌ام، نه تنها پشیمان نیستم بلکه اگر باز فردا انتخابات شود و شما نامزد انتخابات، باز به شما رای خواهم داد، ولی صادقانه گفته باشم این ره که شما می‌روید، به مقصد نمی‌رسد، پس تا زمان به اتمام نرسیده در سیاست‌های عملیاتی خود بازنگری کنید. چیزهای عجیبی مطرح است که مغز انسان در نگرش آن سوت می‌کشد، سیستم پیچیده و درهم‌تنیده بوروکراتیک که همانند عصر قجر فعالیت می‌کند، چه زمانی اصلاح خواهد شد؟ مثلاً زمان زیادی است که می‌خواهید حقوق بانزستگان را هسان‌سازی کنید. خب بالاخره این موعود مبارک به صورت قطره‌چکانی بیفتد، با چه منطق و فرمولی، هدف اصلی کمک به معیشت بانزستگانی بود که بتوانند مقداری بیشتر سفره‌هایشان را بهن کنند، انصافاً این منطق و فرمول حاکم از کجا درآمده و با چه ماسین حساسی محاسبه شده است؟ بانزست‌های که از زندگی به خاطر فقر مستاصل شده و حداقل ترمیمی در حقوقش می‌خواهد، تا کی باید منتظر معجزه باشد؟ راستی چرا احکام مربوط به ایاب و ذهاب، مهد کودک، حق مسکن و... کارمندان ابلاغ نمی‌شود، مگر تا چه اندازه نیاز به تخصیص بودجه دارد؟ بله، همه می‌دانیم زمانی که ۸۰ درصد بودجه کشور صرف پرداخت حقوق پرسنلی می‌شود، مشکلات روی هم‌دیگر انباشته می‌شود و در این بین دولت نمی‌تواند نفس بخشد، ولی زمانی که با اشتیاق و بدون مطالعه افراد را وارد سیستم دولتی می‌کردند و به فکر بخش خصوصی و تولید نبودند باید واقعتاً این کار را از قبل می‌سنجیدند.

### برگزیده‌ها

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات اعلام کرد گوشی‌های جدید آیفون در ایران قابل استفاده می‌شود

## رجیستری آیفون یک گام به پیش

نگاهی به روزهای سختی که اقتصاد برای دهک‌های پایین رقم زده است

## ناترازی دخل و خرج

توهین بایدن، شرط‌بندی‌ها و آرای زود هنگام به سود دونالد ترامپ

## آشفته‌گی دموکرات‌ها

تا نیم فصل نباید توقعی از استقلال داشت

## پول؛ نسخه آفریقایی برای بحران ایرانی

در گفت‌وگو با سیدجلال ساداتیان بررسی شد:

## تنش در روابط ایران و آلمان

### یادداشت

مسئولیت در قبال آینده ایران



امیدجهانشاهی

پیش‌فرض آینده‌اندیشی این است که آینده ساختنی است؛ اما نه با آرمان‌ها و آرزوها. آینده را با رصد روندها و تحلیل میزان تأثیرگذاری روندها بر اقتصاد، سیاست و اجتماع ایران و تصمیم‌های سازنده برای توسعه ایران می‌توان ساخت. در این مسیر البته رسانه‌ها مسئولیت جدی برعهده دارند. مسئولیت رسانه‌ها برای کشور این است که مردم را از عوامل مؤثر بر تحقق یک آینده مطلوب برای کشور آگاه کنند و تصریح کنند که آینده ما را وضعیت روندهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و فناوری می‌سازد و بنابراین بدون سرمایه‌گذاری در تولید علم و فناوری و بدون سرمایه‌گذاری برای تولید و رشد تجارت و سایر روندها نمی‌توان از آینده روشن سخن گفت و به این ترتیب فضای کشور را برای گرفتن تصمیم‌های سخت و شجاعانه برای «ایران» مهیا کنند. چراکه مسئولان هرگز در خلا تصمیم نمی‌گیرند بلکه سخنان و تصمیم‌های آنها تأثیر متاثر از اولویت‌های برکشیده‌شده، بستر عواطف مردمی و آرای جمعی فعالان مردمی، روشنفکران محلی و نهادهای مدنی هم هست. مسئولیت‌شناسی رسانه‌ها به این است که اولویت‌های کشور را بر اساس آنچه آینده خوبی برای ایران می‌سازد، تعریف کنند. یکی از تلاش‌ها برای ساخت آینده توصیف چشم‌انداز است.

### همکار گرامی سرکار خانم ریحانه جولایی

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض

می‌کنیم. از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای

شما و سایر بازماندگان صبر و آرامش مسالت می‌نمایم.

### روزنامه شرق